

سیاست آمریکا و متحدانش در مورد صدور فنون و تسلیحات پیشرفته به چین

محمد جواد امیدوارنیا

یکی از تدابیر چین برای افزایش توان تسلیحاتی خود، کسب فنون سلاحهای پیشرفته خارجی است و چون میزان موفقیت در این راه نه تنها به تلاشهای کشور خواهان اقلام مذکور، بلکه به سیاست دارندگان آن نیز بستگی دارد؛ لذا ارزیابی نتایج نوسازی قدرت دفاعی در چین بدون بررسی روش کشورهای پیشرفته صنعتی بویژه آمریکا و متحدانش، که از تأمین کنندگان عمده فنون و تسلیحات جدید برای ارتش و صنایع دفاع آن کشور هستند، ممکن نمی باشد.

الف) سابقه همکاری های نظامی آمریکا و جمهوری خلق چین
مطالعه تلاشهای چین برای تقویت بنیه دفاعی خود، نشاندهنده جایگاه ویژه آمریکاست. با اینکه «هنری کیسینجر» وزیر امور خارجه موقت آمریکا در اکتبر سال ۱۹۷۶، در اواخر دوره قدرت خود برقراری هرگونه مذاکره با چین راجع به مسائل دفاعی و انتقال فنون و تسلیحات پیشرفته به آن کشور را تکذیب کرد، کارشناسان غربی معتقدند بین دو کشور از اواسط سال ۱۹۷۳ مذاکرات محرمانه ای جریان داشته که باعث برقراری مناسبات نظامی در اواخر دوره «نیکسون» و آغاز دوره «جرالد فورد» شده است. بنابه گفته آنان، مذاکرات به طور منظم و ماهانه بین «مایکل پیلزبری»* از طرف آمریکا و سه نفر از وابسته های نظامی چین در سازمان ملل متحد (دو ژنرال و یک دریادار) انجام می گرفته است. پیلزبری در گزارش خود در توجیه لزوم فروش سلاح به چین، که در شماره سپتامبر ۱۹۷۵ مجله سیاست خارجی* درج گردیده است، پس از تشریح سابقه فروش سلاح توسط آمریکا به یوگسلاوی (در اوایل دهه ۱۹۵۰، به دنبال بروز اختلافات

• Michael Pillsbury
•• Foreign Policy

بین تیتو و استالین) اظهار نظر نموده که مناسبات نظامی چین و آمریکا می‌تواند منافع ذیل را برای آمریکا دربر داشته باشد:

۱. کمک به اقدامات رهبران چین در زمینه بهبود مناسبات با آمریکا، و مخصوصاً علاقه‌مند ساختن ارتش چین (از طریق ارائه فنون پیشرفته دفاعی) به حفظ دوستی با آمریکا.

۲. جلوگیری از صمیمیت مجدد چین و شوروی (چنانکه در دهه ۱۹۵۰ وجود داشت)، به وسیله حفظ محیط آکنده از سوءظن و عدم اعتماد بین آنها و درگیر نگه داشتن بخشی از نیروهای شوروی در شرق آسیا.

۳. اظهار علاقه به حفظ امنیت چین و ترساندن شوروی از کمک آمریکا به چین، در صورت وقوع درگیری بین دو قدرت بزرگ کمونیستی.

۴. افزایش توان «بازدارندگی هسته‌ای» چین از طریق انتقال فنون پیشرفته نظامی مانند کامپیوتر برای کنترل رادارهای مافوق افق، دوربینهای ماهواره‌ای برای عکسبرداری و شناسایی تأسیسات نظامی شوروی، و بالنتیجه جلوگیری از حمله هسته‌ای ناگهانی شوروی به آن کشور.

۵. بهبود کیفیت سلاحهای غیرهسته‌ای چین با انتقال بعضی از اقلام فنون پیشرفته، که باعث تمرکز بخش بزرگتری از نیروهای شوروی در مرزهای خود با چین، و کاهش فشار بر «ناتو» در غرب خواهد شد.^۱

در سال ۱۹۷۴ مشخص گردید که احتمال برقراری مناسبات دفاعی عملی با چین ناچیز است؛ زیرا چینی‌ها در قبال دریافت سلاح از غرب حاضر به ترک سیاست اتکا به خود نیستند و به همین دلیل، بعضی از مخالفان همکاری تسلیحاتی با چین از نیمه دوم سال ۱۹۷۷ به بعد نظراتی ابراز داشتند که رئوس آن به شرح زیر بود:

۱. چینی‌ها تمایلی به خرید مقادیر زیاد سلاح از آمریکا و یا برقراری مناسبات نظامی دیگر از جمله اتحاد با آن کشور، علیه شوروی ندارند و تأمین مالی سلاحهای عمده و خریدهای زیاد نیز برای آنها ممکن نمی‌باشد. بنابراین، چین ممکن است فقط مبادرت به خرید بعضی از اقلام تکنولوژی پیشرفته که قادر به مشابه سازی آن باشد، بنماید، لیکن سیاست اتکا به خود را فرو نخواهد نهاد.

۲. تماسهای نظامی با چین، از جمله مبادله وابسته‌های نظامی و یا بازدید وزیر دفاع آمریکا از پکن، ممکن است باعث تحریک شوروی گردد و به عواقب وخیمی، از جمله حمله هسته‌ای ناگهانی آن کشور به چین بیانجامد.

۳. مناسبات آمریکا و شوروی در اثر کمک نظامی آمریکا به چین شدیداً لطمه خواهد دید و در مناسبات بین‌المللی آنها، از جمله در مذاکرات خلع سلاح تأثیر منفی خواهد گذاشت و شوروی را در عملکردهای خود در برابر غرب خشنتر خواهد ساخت.
۴. تماسهای نظامی آمریکا با چین «پاداشی» برای جناح طرفدار بهبود روابط با آمریکا در حزب کمونیست و ارتش چین، و مانعی بر سر راه کنارآمدن چین و شوروی، نخواهد بود، و اصولاً بهبود مناسبات چین و شوروی «تا حد معینی» به نفع آمریکاست؛ زیرا باعث کاهش بحرانهای بین‌المللی خواهد شد.
۵. تقویت نظامی بیش از حد چین، با توجه به نامعلوم بودن ثبات رهبری در دوره بعد از دنگ شیائوپینگ به مصلحت غرب نیست.
۶. احتمال تغییر در توازن قوا در شرق آسیا و به مخاطره افتادن امنیت دوستان و متحدان آمریکا وجود دارد.
۷. دکترین نظامی چین تا آن حد پیشرفته نیست که قادر به کاربرد مؤثر سلاحهای پیچیده آمریکا باشد.
۸. هزینه تجهیز ساختن چین به فنون و سلاحهای جدید بسیار زیاد است (وزارت دفاع آمریکا در سال ۱۹۸۰ هزینه این امر را ۴۱ تا ۶۳ میلیارد دلار و در سال ۱۹۸۴ در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده است).^۲
۹. صنایع دفاع چین توان جذب فنون پیشرفته تسلیحاتی آمریکا را ندارد.^۳ وجود این تفاوت نظرها در آمریکا و احتراز مائوتسه تونگ از نزدیک شدن زیاد به غرب از امکان همکاری دوجانبه می‌کاست، اما در دوره دنگ شیائوپینگ، مخصوصاً از سال ۱۹۷۹ به بعد، به دنبال جنگ چین و ویتنام و اشغال افغانستان به وسیله شوروی، روابط علمی و فنی و نظامی آمریکا و چین روبه گسترش نهاد. در این موقع گزارشی از «پنتاگون» (وزارت دفاع آمریکا) فاش گردید که در آن با توجه به «نقش مهم چین در توازن قوای جهانی» پیشنهاد شده بود فنون پیشرفته و اطلاعات نظامی و پروانه ساخت بعضی از سلاحهای آمریکایی در اختیار چین قرار گیرد و تمرینهای نظامی مشترک بین دو کشور برگزار شود تا بدین وسیله توان شرکت چین در یک جنگ جهانی، در صورت لزوم، افزایش یابد.^۴ دولت آمریکا از همان سال (۱۹۷۹) صدور سلاحهای به اصطلاح «غیرکشنده»^{*} به چین را آغاز کرد و تنها در ۹ ماه اول آن سال اجازه صدور ۲۴۹ میلیون

دلار از انواع تجهیزات «دوکاربردی»^۴ را صادر نم‌شود. قسمت عمده این رقم (۱۶۸ میلیون دلار آن) را لوازم هوانوردی و فضایی، ۵۲ میلیون دلار آن را تکنولوژی ژئوفیزیک و ۱۰/۳ میلیون دلار آن را انواع کامپیوترها و لوازم الکترونیکی تشکیل می‌داد. روند انتقال فنون و تسلیحات آمریکا به چین از سال ۱۹۸۰ به بعد، با سفر «هارولد براون»^۵ وزیر دفاع وقت آمریکا به چین (ژانویه ۱۹۸۰) و سفر «گنگ بیائو»^۶، وزیر دفاع وقت چین، به آمریکا (در ماه مه همان سال) و مخصوصاً از سال ۱۹۸۳ با قرارداد چین در ردیف «دوستان، نه متحدان» آمریکا، تسریع یافت. نشانه‌های آشکاری از سیاست آمریکا در این زمینه را می‌توان در استقرار «ایستگاههای استراق سمع و بررسی آزمایشهای موشکی شوروی» در ایالات شمال غربی چین (پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیل شدن این تأسیسات در ایران)^۵، مانور مشترک ناوگان هفتم آمریکا و نیروی دریایی چین در ژانویه ۱۹۸۶^۶ (چینی‌ها انجام مانور مشترک را تکذیب کرده‌اند)، بازدید کشتی‌های جنگی آمریکا از بنادر چین در نوامبر ۱۹۸۶ (احتمالاً یکی از آنها حامل سلاح هسته‌ای بوده است)، و تصمیم پنتاگون به تحویل چهار دستگاه رادار پیشرفته به چین، برای نصب در مرزهای خود با ویتنام، در ژانویه ۱۹۸۷ مشاهده نمود.

ب) اهداف آمریکا

از این ملاحظات و همچنین اظهارنظرهای رهبران آمریکا و چین در دوره‌های ریاست جمهوری کارتر و ریگان و جرج بوش (در سفر او به پکن در فوریه ۱۹۸۹) معلوم است که علی‌رغم بهبود تدریجی مناسبات چین و شوروی، بین دو کشور آمریکا و چین درباره برخی نکات استراتژیک دیدگاههای مشترک وجود دارد و آمریکا منافع خود را در قدرتمند بودن چین «تا حدی معین» می‌داند: دکتر کولین گری از اعضای کمیته مشورتی رئیس‌جمهور آمریکا درباره کنترل و خلع سلاح، در سال ۱۹۸۷ در توجیه این سیاست گفته است:

«منطق توازن قوا به ما می‌آموزد که با کشور قدرتمندی در قفای دشمن متحد شویم. همان‌گونه که انگلیس در قرن هیجدهم اطریش و پروس را علیه فرانسه تقویت کرد و انگلیس و فرانسه در قرن بیستم با روسیه علیه آلمان متحد شدند، امروز هم آمریکا و

• Dual Use
 •• H. Brawn
 ••• Geng Biao

اروپا باید در ادامه این سنت بزرگ با جمهوری خلق چین علیه برتری طلبی شوروی متحد شوند.»

او در پاسخ به این سؤال که چرا ابرقدرتها چنین اهمیت روزافزونی را برای شرق آسیا و اقیانوس آرام قائلند، گفته است:

«شرق آسیا از نظر ژئوپلیتیک در قفای شوروی، که اروپا و خاورمیانه را تهدید می کند، قرار دارد. توفیق سیاست نوسازی چین، از جمله افزایش توان نظامی این کشور آسیایی، باعث کاهش خطر حادثه جویی نظامی^۶ شوروی علیه ناتو در منطقه اروپا و یا علیه خاورمیانه خواهد شد. برای ما حتی بیطرفی نظامی چین هم مفید است و ضرورتی ندارد این کشور در یک جنگ احتمالی به نفع غرب وارد شود، بلکه کافی است که مانع انتقال نیروهای شوروی مستقر در خاور دور به سوی اروپا گردد.»^۷

برای روشنتر ساختن سیاست آمریکا در مورد انتقال فنون تسلیحات به چین، باید اهداف دیگر آن کشور را نیز در نظر داشت. اصولاً آمریکا از فروش سلاح به عنوان اهرمی برای پیشبرد منافع ملی و همچنین تقویت مناسبات با کشورهای دیگر استفاده می کند. تصمیمات راجع به فروش سلاح و یا انتقال فنون (تکنولوژی) غالباً براساس منافع امنیتی دوجانبه و همچنین تأثیر بر تعادل ژئوپلیتیک منطقه ای به نفع ایالات متحده آمریکا اتخاذ می گردد. انتقال سلاح را می توان نوعی «مکانیسم نفوذ» دانست که منافع سیاست خارجی آمریکا را به طریق ذیل تعقیب می نماید:

۱. کشورهای دریافت کننده را برای قطعات یدکی، برنامه های آموزشی و حتی وامهای درازمدت به آمریکا وابسته می سازد.
 ۲. روابط آمریکا با متحدانش، در وهله اول اروپا (ناتو) و در مرحله بعد آسیا را تقویت می بخشد و دفاع از پایگاهها و داراییها و خطوط ارتباطی و مخابراتی در مناطق دوردست را امکان پذیر می سازد.

۳. باعث بهبود کیفیت سلاحهای ساخت آمریکا و عمومیت دادن آن در ارتشهای متحدان می گردد. علاوه بر این، صادرات سلاح عامل افزایش تولید داخلی، تحصیل ارز و کاهش هزینه صنایع تسلیحاتی است و اقتصاد ملی را تقویت می نماید.^۸
 بین اهداف دفاع ملی، سیاست خارجی و ملاحظات اقتصادی تعادل حساسی

• Military Adventure

وجود دارد و گاه بین سیاستهای فوق الذکر تضاد پدید می آید، ولی به هر حال معیار اصلی برای صدور تسلیحات این است که فنون و سلاحهای مهم و مواد استراتژیک علیه آمریکا و متحدانش مورد استفاده قرار نگیرد. بنابراین دولت آمریکا نه تنها از طریق مکانیسمهایی صدور فنون تسلیحاتی توسط کشورهای اردوگاه غرب را کنترل می کند، بلکه از دریافت کنندگان آن نیز تضمین می گیرد که فنون و سلاحهای پیشرفته خاص را در اختیار کشورهای ثالث که ممکن است مخالف آمریکا باشند، قرار ندهند و در حقیقت هرگونه «صدور مجدد» این گونه اقلام را زیر نظر خود نگاه می دارد. با اینکه آمریکا با چین منافع امنیتی مشترک دارد، مناسبات آنها به نحوی نیست که بتوان آن را «اتحاد» نامید. به همین دلیل آمریکا قاعده «حد معین» را که به آن اشاره گردید، در مورد صدور فنون و تسلیحات پیشرفته به چین رعایت می نماید و میزان آن را براساس نیازهای سیاست خارجی خود تعیین می کند.

پ) نحوه کنترل غرب بر انتقال تکنولوژی پیشرفته خود به چین

ابزار کنترل آمریکا و متحدانش بر نوع و میزان تکنولوژی صادراتی را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. مقررات داخلی آمریکا

کنترل صدور فنون و کالاهای آمریکا از نظر مصالح امنیت ملی این کشور، براساس «قانون اداره صادرات»^{*}، که آخرین آن مصوب سال ۱۹۸۵ است، انجام می گیرد. نظارت بر صادرات مواد و تکنولوژی استراتژیک به عهده وزارت بازرگانی آمریکاست، اما این وزارت باید با وزارت دفاع مشورت نماید. قسمت اعظم فنون و کالاهای مشمول قانون اداره صادرات، در زمره کالاهای «دوکاربردی» قرار دارد که در وهله اول برای کاربردهای غیرنظامی ساخته شده، اما در صورت لزوم می توان از آن برای مقاصد نظامی نیز استفاده نمود.

وزارتخانه های بازرگانی و دفاع، لیستی از کالاهای صرفاً نظامی نیز در اختیار دارند که «لیست کنترل کالا»^{**} نامیده می شود. هدف از تهیه لیست مذکور آن است که هیچ نوع کالایی که باعث تقویت بنیه نظامی کشوری علیه آمریکا گردد، به آن کشور

* Export Administration Act (E A A)

** Commodity Control List (C C L)

صادر نشود. سیاههٔ دیگری به نام «مهمات»^{*} نیز وجود دارد که در اختیار وزارتخانه‌های دفاع و امور خارجه است. هر دو لیست «کنترل کالا» و «مهمات» با لیستهایی که متحدان آمریکا ضمن هماهنگی با وزارت دفاع این کشور تنظیم کرده‌اند، ارتباط و انطباق دارد. مجموعهٔ این سیاههٔ اساسی را «لیست فنون مهم نظامی وزارت دفاع»^{**} می‌نامند و شامل سیستمهای مختلف کامپیوتری، مواد مهم شیمیایی، کالاهای الکترونیکی حساس، ابزارهای پیچیدهٔ مخابراتی، دوربینهای پیشرفته و فنون مربوط به سیستمهای زیردریایی است.

در مورد صدور اطلاعات طبقه‌بندی شده مقررات شدیدتری وجود دارد که در دستور مورخ ۲ آوریل ۱۹۸۲ رئیس‌جمهور آمریکا ذکر گردیده‌است. به موجب دستور یادشده، آمریکا این اطلاعات را در اختیار کشور دیگری قرار نمی‌دهد مگر آنکه کشور دریافت‌کننده متعهد شود محرمانه بودن آن را رعایت و حفظ کند و توان کشور مذکور برای اجرای این تعهد مورد تأیید قرار گرفته باشد.

۲. کنترل امنیتی بین‌المللی

آمریکا علاوه بر کنترل داخلی، صادرات و انتقال تکنولوژی و سلاح و کالاها و خدمات توسط متحدان خود را محدود می‌سازد. بین آمریکا و متحدانش سازمانی به نام «کمیتهٔ هماهنگ‌کنندهٔ نظارتهای صادراتی چندجانبه» (کوکوم)^{***} وجود دارد که به عنوان یک رکن مشورتی، تصمیمات و اقدامات را در زمینهٔ کنترل صادرات فنون و سلاح و کالاها و خدمات به کشورهای کمونیستی هماهنگ می‌سازد. کنترل‌های کوکوم را آمریکا، ژاپن، متحدان آمریکا در ناتو (بجز ایسلند و اسپانیا) تعیین می‌کنند. کوکوم تا مدتی بر اثر کشف اقدامات جاسوسی شوروی و اقمارش به منظور دستیابی به تکنولوژی پیشرفتهٔ غرب غیرفعال شده بود، اما دوباره به صورت یک مکانیسم نظارت پایدار درآمده است. فهرست فنون و کالاها و مواد مورد نظر کوکوم طولانی‌تر از آن است که در این مقال بگنجد، اما طبقه‌بندی آنها را از نظر کوکوم می‌توان به شرح ذیل بیان داشت:

کوکوم دارای سه لیست از انواع فنون و کالاها و مواد است:

۱. لیست مهمات، شامل همهٔ اقلام نظامی.

* Ammunition List (AL)

** Department of Defense Military Critical Technologies List (DODMCTL)

*** Coordinating Committee for Multilateral Export Controls (COCOM)

۲. لیست مربوط به انرژی هسته‌ای، شامل منابع و مواد قابل شکافتن (اورانیوم و غیره) و رآکتورهای هسته‌ای و قطعات آنها.

۳. لیست صنعتی و بازرگانی.

بیشترین فعالیت کوکوم به لیست سوم مربوط می‌گردد؛ زیرا اقلام لیستهای اول و دوم به طور معمول غیر قابل صدور* است. لیست صنعتی شامل تمام اقلام تکنولوژی دوکاربردی (غیرنظامی/نظامی) است و صدور آن باید براساس مطالعه و موافقت «مورد به مورد»^{۰۰}، توسط دولت مربوط و کوکوم انجام گیرد. این لیست خود شامل سه بخش فرعی است:

— لیست بین‌المللی شماره یک (شامل اقلام ممنوع‌الصدور).

— لیست بین‌المللی شماره دو (اقلامی که صدور آن برحسب کمیت و تعداد کنترل می‌شود).

— لیست بین‌المللی شماره سه (اقلام مربوط به اطلاعات و جاسوسی و مراقبت). لیست اول شامل اقلامی است که دول عضو موافقت کرده‌اند از فروش آن جز در صورت اعطای اجازه مخصوص که «پیشنهاد استثنایی» خوانده می‌شود، خودداری نمایند. سیاهه دوم شامل اقلامی است که صدور آن فقط به میزان معینی مجاز می‌باشد و صدور بیش از حد تعیین شده، مستلزم دریافت اجازه مخصوص براساس «پیشنهاد استثنایی» است. سیاهه سوم شامل اقلامی است که فروش آن مجاز می‌باشد اما صادرکننده باید بر «مقصد نهایی»^{۰۰۰} نظارت داشته باشد.

قسمت اعظم کالاهای دوکاربردی که بزرگترین مشکل را در زمینه نظارت بر صادرات به بار آورده در لیست اول قرار دارد، که به نوبه خود به ده گروه تقسیم شده است، این تقسیمات که با لیست «کنترل کالا»^{۰۰۰} ی آمریکا (که قبلاً ذکر شد) انطباق دارد، به شرح زیر آمده است:

۱. ماشین آلات فلزکاری.

۲. لوازم مربوط به صنایع شیمیایی و نفتی.

۳. لوازم برقی و تولید برق.

۴. لوازم صنعتی عمومی.

• Embargoed
 •• Case by Case
 ••• End- Users

۵. لوازم حمل و نقل.
۶. ابزار الکترونیکی دقیق.
۷. فلزات، مواد معدنی و شیوه تولید آن.
۸. مواد شیمیایی و شبه فلزات.
۹. فرآورده های نفتی.
۱۰. کائوچو، فرآورده های کائوچویی و لوازم مورد نیاز کشور در بخش اطلاعات هوایی.

بسیاری از کالاهای مندرج در این گروه که خود به بخشهای فرعی زیادی تقسیم می شود، در صورت لزوم کاربرد نظامی هم دارد اما کنترل صدور آن بسیار مشکل می باشد؛ زیرا در حالی که مثلاً تکلیف کار در مورد لیست «مهمات» که اقلام آن صرفاً کاربرد نظامی دارد (سلاحهای آتشین، موشکهای هدایت شونده، توپ، تانک، لوازم الکترونیک هوایی و فضایی، ابزار کنترل آتش، زیردریایی، اطلاعات طبقه بندی شده مربوط به امنیت ملی)، مشخص می باشد. چنین دقتی درباره کالاهای دوکاربردی وجود ندارد و نظارت کامل بر انتقال آن ممکن نیست. علاوه بر این در سالهای اخیر گرایش کلی در کوکوم به سوی تسهیل مقررات صدور بوده است. مخصوصاً از هنگام تجاوز نظامی شوروی به افغانستان، مقررات کوکوم برای شوروی سخت تر و برای چین آسانتر شده و برخی از اقلام مانند کامپیوترهای «اسپری یونیواک»* که از فروش آن به شوروی خودداری می گردد، در اختیار چین قرار می گیرد. به همین دلیل انعقاد قراردادهای همکاری علمی و فنی بین آمریکا و چین روبه تزايد بوده و صدور فنون و سلاحهای پیشرفته به چین به طور مداوم تسهیل یافته است. ارزش فنون و کالاهای فنی صادراتی آمریکا به چین از ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ به بیش از دو میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴ رسیده^۹ و از آن پس رشد ملایم و متعادلتری داشته است. تعداد قراردادهای منعقد شده بین دو کشور در زمینه های یاد شده تا سال ۱۹۸۶ به ۲۵ فقره رسیده که ۱۳ فقره آن کاربرد نظامی داشته است. در این سال چهار فقره قرارداد دیگر از جمله درباره تحویل سیستم مخابرات ماهواره ای «لندست»** نیز مورد مذاکره قرار داشته است.^{۱۰} متحدان آمریکا هماهنگ با این روند، همکاری های علمی و فنی نظامی با چین را گسترش داده اند. مناسبات

• Sperry Univac.

•• Landsat.

کانادا و چین مخصوصاً از نظر انتقال تکنولوژی مخابرات ماهواره‌ای بسیار چشمگیر بوده و به احتمال قوی در توانایی چین در گشایش شبکه مخابرات ماهواره‌ای سراسری کشور در ۸ ژوئیه ۱۹۸۶ نقش مؤثر داشته است (قرارداد خرید لوازم برای ۲۶ ایستگاه زمینی ماهواره‌ای در جریان سفر جائوزی یانگ نخست‌وزیر چین به کانادا در ژوئیه سال ۱۹۸۴ به امضا رسیده بود).^{۱۱} کشورهای اروپایی در زمینه‌های مختلف، مخصوصاً تولید مشترک هواپیما و هلیکوپتر با چین در ارتباط بوده و در سالهای اخیر قراردادهای متعددی با این کشور امضا نموده‌اند.^{۱۲} ژاپن و بعضی از اعضای «آسه‌آن» (اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا) نیز علی‌رغم نگرانی از افزایش زیاد توان نظامی چین، در انتقال تکنولوژی پیشرفته به آن کشور نقش مؤثر داشته‌اند. به عقیده بعضی از کارشناسان منطقه‌ای، ژاپن مایل است چین از نظر قدرت در حدی باشد که وزنه تعادلی در برابر شوروی به حساب آید و وام عظیم آن کشور به چین برای سالهای ۱۹۸۳-۱۹۷۹، که در حدود ۱/۳ میلیارد دلار بود، براساس همین هدف پرداخت شده است.^{۱۳} اگر چه رویدادهای اخیر چین (تظاهرات و اعتصابات گسترده در اوایل سال ۱۹۸۹ و سرکوبی خونین مردم و دانشجویان توسط ارتش در ماه ژوئن همین سال) باعث اعمال تحریمهای محدودی از طرف آمریکا و بعضی از متحدانش علیه این کشور گردید، اما شواهد حاکی از آن است که در روند تقویت بنیه نظامی چین تغییری پدید نیامده است.^{۱۴} در پایان این مبحث دو نکته قابل ذکر دیگر وجود دارد که یکی مناسبات علمی و فنی و تسلیحاتی چین و اسرائیل، و دیگری واکنش شوروی در برابر انتقال تکنولوژی و سلاحهای پیشرفته غرب به چین است.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار جامع علوم انسانی

ت) مناسبات نظامی چین و اسرائیل

یکی از متحدان آمریکا که در سالهای اخیر گزارشهای متعددی راجع به همکاری‌های علمی و فنی و نظامی آن با چین منتشر ساخته و بحثهای بسیار برانگیخته است، اسرائیل می‌باشد. در اوت ۱۹۷۶ «موشه دایان» وزیر دفاع وقت اسرائیل اعلام کرد که به خاطر مناسبات صمیمانه استرالیا با چین، بعضی از مقامات اسرائیل از «رابرت هاوک» و نخست‌وزیر بعدی استرالیا خواسته‌اند نقش میانجی را برای برقراری مناسبات بین اسرائیل و چین ایفا نماید و مشارالیه قول داده است که نهایت تلاش را در این زمینه مبذول دارد. اقدامات اسرائیل از طریق برخی یهودیان ذینفوذ مقیم اروپا و آسیا هم دنبال می‌شده است. به نقل از جراید منتشره در آمریکا موضوع مناسبات محرمانه

نظامی چین و اسرائیل به سال ۱۹۸۰ باز می‌گردد که یکی از مدیران وزارت دفاع اسرائیل در رأس هیئت عالی‌رتبه‌ای به پکن رفت و قراردادی در مورد فروش دومیلیارد دلار لوازم الکترونیکی و ابزار دقیق مربوط به انواع دوربینها بین دو کشور به امضا رسید.^{۱۵} در سال ۱۹۸۲ هیئت دیگری از کارخانجات صنایع الکترونیکی اسرائیل به نام «تادیران»^{*} به منظور عرضه ادوات پیشرفته برای تانک به چین سفر کرد.

در اول اکتبر ۱۹۸۴ تحلیلگران نظامی خارجی اظهار داشتند در جریان ملاحظه مراسم سان و رژه‌ای که به مناسبت روز ملی جمهوری خلق چین در پکن برپا شده بود، موشکهای کشتی به کشتی به نام «گابریل»^{**} ساخت اسرائیل و توپهای «ال-هفت»^{***} ساخت همان رژیم را که بر روی تانکهای چینی نصب شده بود، شناسایی کرده‌اند. در همان زمان روزنامه ساندی تایمز گزارش داد اسرائیل، که قسمتهایی از توپهای «ال-هفت» را با پروانه تولید انگلیس می‌سازد توانسته است در مناقصه‌ای برای نوسازی تانکهای قدیمی چین (ساخت دهه ۱۹۵۰ با کمک شوروی) بر انگلیس پیروز شود. در آن موقع ارزش قراردادهای نظامی چین و اسرائیل بین ۱ تا ۳ میلیارد دلار تخمین زده می‌شد.

به نظر می‌رسد یکی از بخشهای عمده روابط نظامی چین و اسرائیل شامل اطلاعاتی است که این رژیم درباره سلاحهای شوروی به دست آورده است. جنگ اعراب و اسرائیل در سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ به نیروهای اسرائیل امکان داد تا بعضی از پیشرفته‌ترین سلاحهای شوروی را به دست آورد و مورد بررسی قرار دهد. قطع کمکهای تسلیحاتی شوروی به چین در دهه ۱۹۶۰ ارتش چین را از مهمترین تأمین کننده قطعات یدکی خود محروم ساخت و در سالهای بعد توجه آن را به اسرائیل به عنوان عامل بالقوه‌ای برای تهیه نیازمندی‌های خود معطوف نمود.^{۱۶} به نظر بعضی از تحلیلگران، دولت چین به منظور صرفه‌جویی در ارز خارجی به تجارب اسرائیل در زمینه نوسازی و تکمیل سلاحهای روسی و تقلید از ادوات و تسلیحات آمریکایی که دسترسی به آن از طریق دیگر برای چین مشکل است، تولید موشکهای هوا به هوا و زمین به زمین و سیستمهای الکترونیکی، هواپیماهای بدون سرنشین، موتورهای تانک، ابزارهای لیزری برای هدف‌گیری در شب، تولید مهمات و ایجاد خطوط تولید سلاح علاقه‌مند است. بنابه گفته

* Tadiran

** Gabriel

*** L-7

این تحلیلگران، قسمت عمده مبادلات دوجانبه چین و اسرائیل از طریق هنگ کنگ و سنگاپور توسط چند شرکت از جمله شعب شرکت کشتیرانی اسرائیلی «زیم»^{*} و شرکت صنایع الکترونیکی «ال سینت»^{**} در هنگ کنگ انجام می‌گیرد و گشایش مجدد کنسولگری اسرائیل و شعب بعضی از بانکهایش در آنجا تسهیل بیشتری در این مراودات ایجاد خواهد کرد.^{۱۷}

درباره علل تمایل اسرائیل به انتقال تکنولوژی و سلاح به چین اظهارنظرهای گوناگونی به عمل آمده است. پروفسور «آشارون کلیمان»^{***} استاد بخش روابط بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو و متخصص در مطالعات راجع به سیاست خارجی اسرائیل اظهار عقیده نموده که ممکن است آمریکا علاقه‌مند باشد اسرائیل به عنوان کارگزار آن کشور عمل کند و فنون و سلاحهایی را که واشنگتن مایل نیست مستقیماً به چین بفروشد، در اختیار این کشور قرار دهد.^{۱۸}

دولت چین تاکنون خبری درباره مناسبات علمی، فنی و نظامی خود با اسرائیل منتشر نساخته و کلیه مطالب رسانه‌های خارجی را در این زمینه تکذیب کرده است.

ث) واکنش شوروی در برابر صدور تکنولوژی پیشرفته غرب به چین در مناسبات چین و آمریکا آنچه بیشترین نگرانی را برای شوروی فراهم آورده، جنبه نظامی آن و انتقال تسلیحات غربی به چین بوده است. این نگرانی مخصوصاً در اوایل دوره رهبری دنگ شیائوپینگ شدت داشت؛ زیرا: اولاً روند عادی ساختن روابط چین و شوروی به صورت امروز که رهبران دو کشور برای اولین بار طی چند ماهه اخیر با یکدیگر ملاقات و گفتگو کرده‌اند (مه ۱۹۸۹ در پکن)، مطرح نبود.

ثانیاً بعضی از کارشناسان غربی، تنها به فروش سلاح و انتقال تکنولوژی نظامی به چین اکتفا نکرده، خواهان همکاری‌های امنیتی با آن کشور در زمینه‌های تبادل اطلاعات، استقرار ایستگاههای اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در چین، بهره‌برداری غرب از تسهیلات دریایی و هوایی در چین، استقرار کارشناسان اطلاعاتی غرب در چین، آموزش افراد ارتش آزادی‌بخش خلق چین در غرب، انجام مانورها و تمرینهای مشترک،

• Zim
•• Elscint
••• Asharon Klieman

برنامه‌ریزی مشترک در قبال رویدادهای احتمالی و مشورتهای منظم بین تشکیلات نظامی و اطلاعاتی طرفین بودند.^{۱۹}

ثالثاً زیاده‌روی چین در گرایش به غرب در آخرین سالهای دهه ۱۹۷۰ باعث بروز شایعاتی در مورد احتمال شکل‌گیری اتحاد محرمانه بین چین و آمریکا و ژاپن در برابر شوروی گردیده بود.

بر مبنای همین نگرانی‌ها بود که مقامات شوروی در مذاکرات با آمریکا در سال ۱۹۷۸ اظهار داشتند:

«هرگاه مناسبات واشنگتن با پکن تغییر یابد، ما مجبور به ارزیابی مجدد اوضاع خواهیم بود.»

مسلماً خاطره فروش سلاح توسط آمریکا به یوگسلاوی، پس از بروز کدورت بین تیتو و استالین برای شوروی بسیار عمیق، و درسی فراموش ناشدنی بوده است. به همین دلیل هنگامی که آمریکا از سال ۱۹۷۹ فروش مستقیم سلاح به چین را افزایش داد، شوروی به آن کشور و انگلیس و فرانسه اعلام خطر کرد. کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا طی نامه‌ای به برژنف اطمینان داد که آمریکا از تحویل سلاحهای پیشرفته به چین خودداری خواهد کرد، اما اگر متحدان اروپایی آن به فروش تسلیحات به آن کشور بپردازند، مداخله‌ای نخواهد نمود.^{۲۰}

حساسیت شوروی درباره مناسبات تسلیحاتی چین و کشورهای غربی در سالهای بعد که پکن سیاست خارجی خود در برابر دو ابرقدرت را بر مبنای حفظ فاصله با هر دو آنها و خودداری از اتحاد با یکی از آنها علیه دیگری اعلام داشت، به نحو چشمگیری کاهش پیدا کرد.

1. Gerald Segal, (de.), *The China Factor, Peking and the Super Powers*, (London: Croom Helm Ltd., 1982), P.79.

2. Lieutenat Colonel Andrew R. Finlayson (From U. S. Marin Corps), «U. S. Arms for China- A New Look», *Naval War College Review*, (Jan.- Feb. 1986), PP. 66-77.

3. Paul Godwin, *The Chinese Defence Establishment*, (London: Westview Press, 1983), P.76; Segal, *op.cit.*, PP. 76-105., Finalayson, *Ibid.*, Helena Tuomi (ed.), *Militarization and Arms Production*, (London: Croom Helm Ltd., 1983), P. 1980.

4. Segal, *op.cit.*, P.93.

۵. بعضی از ناظران خارجی معتقدند این پایگاهها با همکاری کارشناسان سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و افراد فنی چین اداره می‌گردد، اما دولت چین حضور کارشناسان آمریکایی را تکذیب کرده است.
6. Research Institute for Peace and Security, *Asian Security, 1987-1988*, (Tokyo, 1988), P. 78.
7. Dr. Colins Gray, «Western Security and the Pacific: a Geopolitical Perspective», *NATO'S Sixteen Nations Review*, Vol. 23, No.2, (Brussels), (April 1987), PP. 42-47.
8. Larry M. Wortzel, «U. S. Technology Transfer Policies and the Modernization of China's Armaments», *Asian Survey*, Vol. XXVII. No. 6, (June 1987), PP. 615-37.
9. John Turner & Sipri, *Arms in the 80s: New Developments in the Global Arms Race*, (London: Taylor & Francais, 1985), P. 72.
۱۰. برای بررسی بیشتر در مورد نحوه نظارت غرب بر صدور فنون و تسلیحات پیشرفته خود به چین، رجوع کنید به: Godwin, *op.cit.*, PP. 47-76; Wortzel, *op.cit.*
۱۱. در مورد شبکه مخابرات ماهواره‌ای سراسری چین و خرید از کانادا، رجوع کنید به: Agance France Press (AFP), (Sept. 4, 1983), & China Daily, (July 9, 1986).
۱۲. در مورد همکاری‌های شرکتهای غربی و چین در مورد صنایع هوایماسازی رجوع کنید به: *Interavia, Aerospace Review*, 12/ 1987, PP. 1249-57, & *Janes Defence Weekly* Vol. 11, No.5, Feb. 4, 1989), P. 163.
13. Professor Masashi Nishihara, «The Security of North- East Asia: Part 1» *Adelphi Papers*, No. 218, (Spring 1987), (London: IISS), P. 5.
14. *Military Balance* 1989-90, (London: IISS), P. 146.
15. *Ibid.*, P. 402
16. Yossi Melman and Ruth Sinai, «Israeli- Chinese Relations and Their Future Prospects: From Shadow to Sunlight», *Asian Survey*, Vol. XXVII, No. 4, (April 1987), PP. 395-407.
17. «Giant Steps in Asia», *Israeli Foreign Affairs*, (Washington D.C.), (Nov. 1985).
18. *Janes Defence Weekly*, (Oct. 10, 1987), P. 835.
19. Godwin, *op.cit.*, P. 77.
20. *Ibid.*, P. 75.